

نقش بازی در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان

محمد بختیاری

آرامش صحبت کنند و آداب مجلس را دقیقاً به جا آورند و توجه نداشتند که بازی یکی از عوامل مهم در سلامت و رشد جسمی، روانی، عاطفی کودکان و موجبی برای آموزش اصول و قواعد زندگی نیز هست. حضرت علی «ع» می‌فرماید: من کان له صبی صبا. یعنی کسی که کودکی دارد باید در راه تربیت او خود را تا سر حد طفولیت و کودکی تنزل دهد. بازی پدر و مادر با فرزند مانند لباس نو و کفش قشنگ و اسباب بازی مایه مسرت و شادمانی کودک است. در اسلام مسرور کردن کودک از عبادات است کارهای اطفال در موقع بازی حاکی از طرز فکر و روحیه کودکان و نشان دهنده شخصیت و ویژگیهای روانی آنان است.

بزرگسالان می‌توانند در ضمن بازی با کودکان به درجه هوش و مراتب لیاقت معنوی آنان پی ببرند. گاهی ممکن است آموزش لفظی به تنهایی کافی نباشد و وقتی که مهارت مقداری پیچیده باشد استفاده از بازی، برای آموزش دادن آن مهارت می‌تواند بسیار سودمند و مؤثر باشد و برای کودک هم که نقش بازی می‌کند آموختن آن به صورت سرگرمی دلپذیری در می‌آید. دراین مورد پدر و مادر کودک می‌توانند هریک نقشی به عهده گیرند و مانند بازیگران نمایش، مسئله مورد نظر را



دوران کودکی در ترسیم شخصیت انسان در آینده تأثیر فراوانی دارد آنچه مسلم است اینکه مردان و زنان آینده را کودکان امروز تشکیل خواهند داد. آمادگی و قبول مسئولیت بهتر در دنیای فردا بستگی تمام به مسئولیتهای کودکان و بازیهای گروهی آنها در ایام کودکی دارد. بازی برای کودک لذت بخش است و در بازی می‌تواند تجارب و آموزشهای فراوانی کسب کند.

امروزه در روشهای تعلیم و تربیت کودک روشها و الگوهایی به کار می‌رود که با گذشته تفاوت اساسی دارد. تعلیم و تربیت کودک یکی از ارکان اساسی علوم انسانی به حساب می‌آید. با پیشرفت علوم در کلیه زمینه‌های زندگی آموزش کودکان نیز سیر تکاملی خود را پیش رو دارد، بازی، دیگر هدر دادن وقت بچه تلقی نمی‌شود در صورتی که در گذشته اغلب اولیا و مربیان کودک را از بازی محروم می‌کردند و بازی کودک را نوعی اتلاف وقت به حساب می‌آوردند و می‌خواستند که کودکان هرچه زودتر دست از بازی کشیده و به کارهای مهمتر بپردازند اینان کودکان را بزرگسالانی کوچک اندام می‌پنداشتند و دوست داشتند کودکان مانند بزرگسالان رفتار کنند، مثل آنها در مجلس بنشینند و با

بازی کنند.

کودک عاشق بازی است و شاید شدیدترین محرومیت برای او آن باشد که از بازی محروم نشود. همه جا برای او صحنه بازی است و این جنبه در سنین اولیه دارای اهمیت بیشتری است فعالیت و علاقه مندی کودک به بازی نشانه سلامت اوست. اگر طفلی بازی نکند مریض و بیمار است و باید به درمان او اقدام کرد. بازی در عین اینکه وسیله سرگرمی کودک است، جنبه آموزشی و سازندگی نیز دارد و گاه ارزش اشتغال کودک به بازی بیش از ارزش کتاب خواندن است. بازی اگر خوب و اندیشیده طرح شده باشد به کودک فرصت می دهد تا به تقویت جنبه های جسمی و ذهنی و روانی و عاطفی خود بپردازد و اصول اخلاقی و اجتماعی را به خوبی فرا گیرد. بازی کردن به کودکان فرصت می دهد که نیازمندی های خود را ابراز کنند چنانچه وقتی کودکی بخواهد علاقه و محبت خود را ابراز کند ضمن بازی با کودک دیگری او را نوازش می کند. بازیهای مختلف علاقه، محبت، ترس، نفرت، و لذت را در کودکان و نوجوانان ظاهر می سازد و از این راه می توان با نظارت مؤثر و کافی بر رفتارهای آنان به اصلاح تقابضشان پرداخت. کودک در ضمن بازی می تواند مقادیر زیادی از انرژی زائد خود را با خزیدن و جهیدن و دویدن صرف کند.

کودک از زمان نوزادی تا وقتی که به بلوغ می رسد، قطع نظر از محیط، ملیت، وضع اقتصادی و غیره، بازی با او همگام است. البته در آغاز عمر بسیار ساده و منحصر به حرکات عضلات و اعضای بدن مثل: چشم، گوش، دست و پا است که سرسری و بی هدف تکان می دهد و به تدریج که هوش و استعداد بچه رشد کند بازی ترکیبی از حرکات بدن است که به صورت زیبایی جلوه می کند و تا چهار و پنج سالگی بچه ها اشیایی را روی هم می گذارند بدون اینکه یک الگو و یا طرح بخصوصی را در نظر بگیرند و از شش سالگی به بعد اشیاء را برای خانه و ساختمانهای مختلف بانظر

خاص مورد استفاده قرار می دهند و بازیها کمتر صورت خیالی به خود می گیرد و جنبه سازندگی آن بیشتر می شود و بدیهی است در طرز عمل بین اطفال تفاوت زیادی به چشم می خورد. دوره بین سنین ۷ و ۸ سالگی علاقه به اسباب بازی به نهایت شدت می رسد پس از اینکه کودک به مدرسه رفت علاقه او به تدریج تغییر می کند و بیشتر به بازیهای که در آن رعایت مقررات و اصول لازم باشد علاقه مند می شود.

یکی از فواید بازی تمرین استقلال، اراده و احیای حس ابتکار است موقعی که طفل روی خاکها چاه می کند، وقتی دست به کار بنایی شده، اتاقک می سازد و تمام فکرش مانند یک مهندس ساختمان کار می کند و از موفقیت های خود لذت می برد، موقعی که در وسط کار با مانعی برخورد می کند و چاه فرو می ریزد و یا اتاقک خراب می شود و به فکر چاره جویی می افتد، همه این کارها به رشد فکر و برون شخصیت او کمک می کند. کودک قبل از اینکه با بیان و زبان، افکار و احساسات خود را آشکار کند با بازی و تجربه آن را نشان می دهد و به این وسیله سازندگی و تامل و تفکر خود را بالا می برد مسلماً هر انسانی در مقابل کار موفقیت آمیز خود نشاط و شادایی را کسب می کند و دوست دارد نتیجه فکر خود را به دیگران نشان دهد و ارتباط عاطفی و اجتماعی با آنها پیدا کند و به میزان تفکر و عقل خود بیاید. کودک نیز برای تقویت ارزشهای جسمانی و عقلانی و شناختی و اجتماعی خود در تلاش و تکاپو و خود نمایی و بازی است معادله «سلامت = بازی» برای همه پذیرفته شده است و اگر کودکی بازی نکند و با از بازی تنفر داشته باشد و گوشه گیر و آرام و بی حرکت در خانه بنشیند و در خود فرو رود جای سؤال و نگرانی است. معمولاً والدین این گونه کودکان برای ایجاد تحرک در آنها تلاش می کنند تا او را از این عارضه افسردگی و انزوا طلبی و بی حرکتی نجات دهند. روح شاداب در جسمی است که در تلاطم و تلاش و حرکت باشد. با بازیهای مختلف نیروی بدنی و رشد عضلات و

بزرگسالان می توانند در ضمن بازی با کودکان به درجه هوش و مراتب لیاقت معنوی آنان پی ببرند. گاهی ممکن است آموزش لفظی به تنهایی کافی نباشد وقتی که مهارت مقداری پیچیده باشد استفاده از بازی، برای آموزش دادن آن مهارت می تواند بسیار سودمند و مؤثر باشد.

بازی اگر خوب و اندیشیده طرح شده باشد به کودک فرصت می دهد تا به تقویت جنبه های جسمی و ذهنی و روانی و عاطفی خود بپردازد و اصول اخلاقی و اجتماعی را به خوبی فرا گیرد.

حرکت سریع مفاصل و آرامش اعصاب و گردش خون و تنظیم دفع مواد زائد از بدن حاصل می‌شود و جسم سالم و با نشاط می‌گردد از طرفی وقتی کودک با ابزار بازی سرو کار دارد تفکر او شکوفا می‌شود و می‌خواهد مطالب درسی خود را در محیط بازی تجربه کند. چگونگی رشد و تکامل انسان و فیزیولوژی بدن کودک دانشمندان را بر آن داشته که ضرورت بازی و استفاده صحیح از لحظات بازی در آموزش را مورد توجه قرار دهند و دانشمندانی از قبیل کاول گروس، یویت نیدیک، استانلی هال، پیازه - فروبل و دیوئی در مورد بازی کودک به تحقیق و پژوهش پرداختند و تعاریفی از بازی ارائه کردند و آثار روانی و اجتماعی بازی را بیان داشتند. گروس بازی را تمرین غریزی و بی‌هدف می‌داند که در زندگی آینده کودک نقش اساسی دارد. فروبل بازی را شکوفایی طبیعی جانانه‌های طفل می‌شمارد او معتقد است که کودکان بیش از هر چیز از بازیهای خود مطالبی می‌آموزند. بازی جزء مهمی از زندگی کودک است. اگر ما رشد کامل و هماهنگ کودک را بخواهیم باید به بازی او اهمیت دهیم.

دیوئی می‌گوید بازی فعالیتی است که آگاهانه انجام می‌گیرد و بی‌جهت در پی به دست آوردن نتیجه و ثمرهای نیست. اسپنسر بازی را رُخداد اعمال غریزی زاید به جای اعمال واقعی تعریف می‌کند. ژان پیازه معتقد است کارهایی که کودک انجام می‌دهد به صورت بخشی از دانسته‌های او در می‌آید، زیرا هر تجربه به صورت یک تصویر ذهنی یا راه و روشی عملی در نزد کودک درونی می‌شود. ژان شاتو روانشناس فرانسوی بر این عقیده است که ارزش بازی در شکل دادن به رفتار اندیشه‌های کودکان تا آن حد است که می‌توان آن را نشانه شناخت رفتار و کودکان از بزرگسالان دانست.

ژان پیازه روانشناس سوئیسی معتقد است زیرا که هر تجربه به صورت یک تصویر ذهنی یا راه و روش عملی در نزد کودک درونی می‌شود. پیازه که نظریات

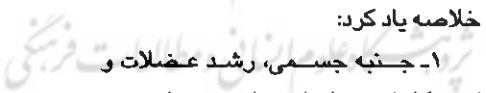
خود را بر پایه تحقیق و تجربه قرار داده و در نتیجه آزمایش‌های فراوان در روی کودکان به نتایج شگرف رسیده، می‌گوید: بازی نقش ارزنده‌ای در تعلیم و تربیت کودک دارد و سبب می‌شود تا کودک علاوه بر رشد همه جانبه به ارزشهای اجتماعی و اخلاقی و تربیتی و علمی دست یابد و اعتماد به نفس پیدا کند زیرا تواناییهای خود را در جریان اینگونه بازیها می‌شناسد و آزمایش می‌کند و حواس مختلف خود را تقویت می‌کند و کودکی که با دیگران بازی می‌کند از تعادل روحی بیشتری برخوردار است تا کودکی که از بازی محروم شده و یا محیط لازم و شرایط کافی برای بازی او آماده نباشد. مسلماً این گونه کودکان مفهوم رقابت، همکاری، اطاعت از مقررات را یاد نخواهند گرفت و چون در کودکی بازی نکرده‌اند در جامعه فردا ایفاگر نقش مهمی نخواهند بود عنصری خجالتی و انزواجو و مردم‌گریز می‌شوند، در صورتی که کودکان اجتماعی، کودکانی هستند که در بازیهای دسته جمعی نقش رهبر را داشته‌اند و معمولاً برنامه‌ریزی گروه‌های هم سالان را آنها بر عهده داشته‌اند. از فواید بازی کودکان می‌توان موارد زیر را به طور خلاصه یاد کرد:

- ۱- جنبه جسمی، رشد عضلات و استحکام استخوانها و مهارت حس لامسه و بینایی کودک.
 - ۲- جنبه ذهنی و روانی، برانگیختن حس کنجکاوی و قدرت ابتکار و مقاومت در برابر مشکلات و داشتن اعتماد به نفس.
 - ۳- جنبه عاطفی و پرورش تمایلات عاطفی متعادل.
 - ۴- جنبه آموزش و شیوه حل مسأله. کودک برای وصول به هدف یاد می‌گیرد که چگونه باید نقشه بکشد طراحی کند و از عهده حل مشکلات برآید.
 - ۵- جنبه آموزش شیوه زندگی دسته‌جمعی و رابطه صحیح با دیگران و تمرین همکاری و تعاون در فعالیتهای گروهی.
- ۶- جنبه آموزش قوانین و مقررات و اصول اخلاقی.
- آنچه مسلم است اینکه بازی به همراه

کار و ابزار کار و راهنمایی آثار تربیتی خوب به همراه دارد کودک با نوجوان باید در فعالیتهای آموزشی آزادی نسبی داشته باشد و بیشتر تکیه بر تفکر و اندیشه خود داشته باشد و تذکرات خسته کننده معلم یا مربی استقلال و اندیشه او را محدود و مخدوش نکند در این صورت کودک و نوجوان ضمن تلاش و بازی از قدرت تفکر خود نیز استفاده می‌کند.

آموزش وقتی توأم با بازی باشد کودک در تمامی ابعاد جسمانی و ذهنی و روانی رشد مناسب می‌کند و خود تجربه می‌اندوزد و در کشف اسرار نیای علم و صنعت و طبیعت موفق می‌شود و قدرت خلاقه پیدا می‌کند.

بنابراین باید به بازی کودک به عنوان محرک او در تعلیم و تربیت نگاه کرد و توجه و دقت بیشتری به این امر معطوف داشت.



فقهی

- منابع:
- ۱- روانشناسی کودک - ژان - ل - ریوآر، ترجمه پدا... هماپونفر، انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب.
 - ۲- تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها)، محسن شکوهی بکنا، انتشارات سپهر.
 - ۳- الحدیث، مرتضی فرید، انتشارات دفتر نشر و فرهنگ اسلامی
 - ۴- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۰۹۴۳ مورخ شنبه ۷۴/۹/۱۱، غلامرضا عربی نژاد.